

Quranic Exegesis on the Verse 105 of Sūra al-Tawba

Mohammad Mahdi Farrahi 

Ph.D. in *Qur'an* and Hadith Sciences, Farabi Campus,
University of Tehran, Qom, Iran
(Mohammadfarrahi2011@gmail.com).



Abstract

Among the verses that commentators disagree on is verse 105 of Surah Tauba. The commentators do not agree on the addressee in this verse and have considered the verse to be addressed to the general public, the obligatory, the righteous, the non-righteous, and the hypocrites. Another issue on which commentators have not reached a consensus is the concept of "believers" in this verse, which they have interpreted as martyrs, angels, believers, and imams (a.s.). The present article aims to present a different interpretation of the discussed verse in accordance with the context with a critical analytical view and a detailed examination of the mentioned issues. As a result, in the explanation of the mentioned verse, it can be said that this verse is addressed to those mentioned in verse 102, and what is meant by seeing the believers is the knowledge of the believers (people with faith) about the actions of these people in common and usual ways. Also, the narrations that the imams (a.s.) have understood the meaning of "believers" are actually related to allegorical interpretation. It seems that factors such as staying away from the space where the verses were revealed and ruling their own understanding of the narrations similar to the verse on the context of the verses, have been influential in the interpretation of the commentators.

Keywords: Interpretation, Al-Tawba/ 105, context of the verses, vision of believers, 'Arđ al-A'māl.

Review article


Received: 11/ 6/ 2023, accepted: 11/ 19/ 2023, and published: 11/ 19/ 2023, Pages: 339-361.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 DOR: 20.1001.1.52942783.1402.4.1.13.3

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



ارزیابی انتقادی آراء مفسران در تفسیر آیه ۱۰۵ سوره توبه

محمد مهدی فرهی ^{ID}

دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکدگان فارابی،
دانشگاه تهران، قم، ایران (Mohammadfarrahi2011@gmail.com).

چکیده

از جمله آیاتی که مفسران به اختلاف در تفسیر آن سخن گفته‌اند آیه ۱۰۵ سوره توبه است. مفسران در تعیین طرف خطاب در این آیه همداستان نیستند و آیه را خطاب به عموم مردم، مکلفان، تائبان، غیرتائبان و منافقان دانسته‌اند. مسئله دیگری که مفسران در آن اتفاق نظر ندارند مراد از «مؤمنون» در این آیه است که آن را به شهداء، ملائکه، مؤمنان و ائمه (ع) تفسیر کرده‌اند. مقاله حاضر بر آن است تا با نگاهی تحلیلی انتقادی به آراء مفسران بنگرد و با بررسی مدققانه مسائل مذکور، تفسیری متفاوت و منطبق بر سیاق از آیه مورد بحث ارائه کند. نتیجه اینکه در تبیین آیه مذکور می‌توان گفت خطاب این آیه به کسانی است که در آیه ۱۰۲ به آنها اشاره شده است و مراد از رؤیت مؤمنان نیز آگاهی مؤمنان (افراد با ایمان) از عملکرد این افراد از طرق رایج و معمول است. روایاتی نیز که مراد از «مؤمنون» را ائمه (ع) دانسته‌اند از باب تأویل هستند و نه تفسیر. به نظر می‌رسد عواملی همچون دوری از فضای نزول آیات و حاکم کردن فهم خود از روایات ناظر به آیه بر سیاق آیات، در تفسیر مفسران تأثیرگذار بوده است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر، توبه/۱۰۵، سیاق آیات، رؤیت مؤمنون، عرض اعمال.

مقاله مروری

دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۱ش، پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۰ش، نشر: ۱۴۰۲/۶/۲۰ش، صفحه ۳۳۹ تا ۳۶۱.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOR: 20.1001.1.52942783.1402.4.1.13.3

درآمد

در طول تاریخ همواره آیات قرآن کریم مورد بررسی و بازاندیشی قرار داشته‌اند و احیاناً مفسران در تفسیر برخی از آیات آرا و اقوال گوناگونی بیان کرده‌اند؛ اختلافات مفسران و احتمال خطا در آرای آنها بر لزوم بازاندیشی در فهم و تفسیر آنها از آیات قرآن تأکید دارد. بررسی اقوال مفسران از ایستایی فهم آیات بازمی‌دارد و زمینه دستیابی به فهم صحیح‌تر را فراهم می‌کند. از رهگذر همین بررسی‌ها است که عوامل فهم‌ها و تفسیرهای گوناگون روشن می‌شود و می‌توان عالمانه‌تر با آنها مواجه شد.

طرح مسئله

از جمله آیاتی که مفسران به اختلاف در آن سخن گفته‌اند، آیه ۱۰۵ توبه «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» است. هرچند در نگاه نخست ممکن است مراد این آیه روشن و بدون ابهام قلمداد شود اما نگاهی به آرای مفسران مشخص می‌سازد که ایشان در تبیین آن همداستان نبوده و اقوال مختلفی بیان کرده‌اند؛ تعیین طرف خطاب در این آیه و مراد از «مؤمنون» در آن، از جمله موارد اختلافی میان مفسران است.

اینکه تفسیر صحیح این آیه چیست و شواهدی که مفسران برای برخی اقوال خود ذکر کرده‌اند تا چه حد قابل دفاع است از جمله مسائلی است که نیازمند بررسی مدققانه و نگاهی تحلیلی انتقادی به آرای مفسران دارد، ازین‌رو مقاله حاضر در صدد است تا با دقت‌ورزی به تبیین صحیح آیه مورد بحث دست یابد و با بکار بستن نگاهی تحلیلی انتقادی به ارزیابی برخی اقوال مفسران در تفسیر آیه پردازد. نکته شایان ذکر اینکه مطالعه جدی‌ای که همچون مقاله حاضر به ارزیابی جدی و انتقادی آرای مفسران پرداخته باشد، یافت نشد و از این جهت مقاله حاضر از دیگر آثار متمایز است.

۱. آشنایی با آیه ۱۰۵ سوره توبه و سیاق آن

ابتدا آیات ۱۰۱-۱۰۶ سوره توبه را که در یک سیاق قرار دارند ذکر می‌کنیم و پس از توضیحی مختصر درباره آنها به بررسی آیه ۱۰۵ توبه می‌پردازیم.

(۱-۱) آیات ۱۰۱-۱۰۶ سوره توبه و سیاق آن

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ
نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ.

ترجمه: و برخی از بادیه‌نشینانی که پیرامون شما هستند منافقند، و از ساکنان مدینه
[نیز عده‌ای] بر نفاق خو گرفته‌اند. تو آنان را نمی‌شناسی، ما آنان را می‌شناسیم. به
زودی آنان را دو بار عذاب می‌کنیم سپس به عذابی بزرگ بازگردانیده می‌شوند.

وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

ترجمه: و دیگری هستند که به گناهان خود اعتراف کرده و کار شایسته را با [کاری]
دیگر که بد است در آمیخته‌اند. امید است خدا توبه آنان را بپذیرد، که خدا آمرزنده
مهربان است.

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ
اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

ترجمه: از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی، و
برایشان دعا کن، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است، و خدا شنوای داناست.

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ.

ترجمه: آیا ندانسته‌اند که تنها خداست که از بندگانش توبه را می‌پذیرد و صدقات را
می‌گیرد، و خداست که خود توبه‌پذیر مهربان است؟
وَ قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتَرْدُونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ
الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

ترجمه: و بگو: «هر کاری می‌خواهید بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان
در کردار شما خواهند نگرست، و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده
می‌شوید پس شما را به آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهد کرد.

وَ آخَرُونَ مَرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.

ترجمه: و عده‌ای دیگر [کارشان] موقوف به فرمان خداست: یا آنان را عذاب می‌کند
و یا توبه آنها را می‌پذیرد، و خدا دانای سنجیده‌کار است.

در این آیات به سه گروه اشاره شده است؛ نخست گروهی است که در آیه ۱۰۱ به آنها اشاره

شده است و آنها بادیه نشینانی منافق و منافقانی از اهل مدینه‌اند که پیامبر (ص) آنها را نمی‌شناسد. گروه دوم کسانی‌اند که به گناهانشان اعتراف کرده‌اند و عمل شایسته و عمل ناشایسته را در هم آمیخته‌اند و امید است که خدا آنها را مورد آمرزش قرار دهد. به این گروه در آیه ۱۰۲ اشاره شده است.

از ظاهر سیاق آیات برمی‌آید که آیات ۱۰۳-۱۰۵ نیز درباره همین گروه دوم است. در آیه ۱۰۳ خدای متعال به پیامبر (ص) امر می‌فرماید تا با گرفتن صدقه‌ای از اموال این افراد آنها را پاکیزه سازد و برایشان دعا کند. آیه ۱۰۴ خدا را به این افراد توبه‌پذیر و گیرنده صدقات می‌شناساند. البته آیه ۱۰۴ احتمال دارد که اشاره به کسان دیگری همچون متخلفان غیرتائب یا عموم افراد امت باشد، اما شاید بتوان گفت اینکه مراد این آیه کسانی باشند که در آیه ۱۰۲ از آنها سخن رفت با سیاق سازگارتر است.

آیه ۱۰۵ از این افراد (گروه مورد اشاره در آیه ۱۰۲) می‌خواهد که از این به بعد به عمل پردازند و بدانند که خدا، پیامبر (ص) و مؤمنان از اعمال آنها مطلع می‌شوند. اما گروه سوم که آیه ۱۰۶ بدان‌ها اشاره دارد کسانی‌اند که کارشان موقوف به فرمان خدا است اگر خدا بخواهد عذابشان می‌کند و اگر بخواهد آنها را می‌آمرزد.

۲-۱) سبب نزول آیه ۱۰۲ توبه

در سبب نزول این آیه درباره این افرادی که به گناهانشان اعتراف کرده‌اند گفته شده است که آنها سه نفر از انصار بوده‌اند: ابولبابه بن عبدالمنذر، ثعلبه بن ودیع و اوس بن حذام. این افراد هنگام عازم شدن پیامبر (ص) به تبوک از همراهی با وی تخلف می‌کنند اما هنگامی که از آنچه خدای تعالی درباره تخلف‌کنندگان از همراهی با پیامبر (ص) نازل کرد باخبر می‌شوند، خود را به ستون‌های مسجد می‌بندند. زمانی که پیامبر (ص) باز می‌گردد به ایشان عرض می‌کنند که این افراد سوگند خورده‌اند که خود را باز نکنند تا شما آنها را باز کنید. پیامبر (ص) نیز می‌فرماید: من هم سوگند می‌خورم اولین کسی که آنها را باز می‌کند نباشم مگر اینکه دستوری درباره آنها بیاید.

هنگامی که آیه «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ» نازل می‌شود، پیامبر (ص) آنها را باز می‌کند. آنها اموالشان را نزد پیامبر (ص) می‌آورند و به اینکه این اموال سبب تخلفشان شده است اشاره

می‌کنند و از پیامبر (ص) می‌خواهند تا آن را از آنها بگیرد. پیامبر (ص) به اینکه دستوری در این باره به او نرسیده است اشاره می‌کند و آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» نازل می‌شود (طبرسی، *مجمع البیان*، ۵/ ۱۰۰-۱۰۱). البته برخی تعداد این افراد را متفاوت نقل کرده‌اند (نک: طبرسی، *مجمع البیان*، ۵/ ۱۰۱).

۱-۳) مرجع ضمیر فعل «اعملوا» در آیه ۱۰۵

در اینکه مرجع ضمیر فعل «اعملوا» در آیه ۱۰۵ — که پس از اشاره به گروه دوم و پیش از اشاره به گروه سوم است — به چه کسانی برمی‌گردد و خطاب به چه کسانی است مفسران مختلف سخن گفته‌اند:

عموم مردم: برخی از مفسران منظور از فعل «اعملوا» را همه مردم دانسته‌اند (قرطبی، *الجامع لاحکام القرآن*، ۸/ ۲۵۲؛ حسینی شیرازی، *تقریب القرآن*، ۲/ ۴۵۸). علامه طباطبایی نیز معتقد است که آیه بنابر ظاهر اتصالش به ماقبلش گویا خطاب به مؤمنان است و آنها را به صدقه دادن ترغیب می‌کند؛ اما لفظش مطلق است و دلیلی بر تخصیص خطابش به مؤمنان صدقه‌دهنده و یا عموم مؤمنان نیست بلکه هر صاحب عملی اعم از کفار، منافقان و مؤمنان را شامل می‌شود و دست‌کم منافقان و مؤمنان را دربرمی‌گیرد (طباطبایی، *المیزان*، ۹/ ۳۷۸). همچنین برخی خطاب را از آن جهت به تائبان و غیرتائبان شمرده‌اند که لفظ عام است و عام به خصوص سبب مقید نمی‌شود (ملاحویش آل غازی، *بیان المعانی*، ۶/ ۴۸۲).

مکلفان: برخی دیگر از مفسران خطاب را به مکلفان تفسیر کرده‌اند (طوسی، *التبیان*، ۵/ ۲۹۵؛ طبرسی، *مجمع البیان*، ۵/ ۱۰۳، ابوالفتوح رازی، *روض الجنان و روح الجنان*، ۱۰/ ۱۳۰؛ دخیل، *الوجیز*، ۲۶۵).

تائبان: برخی از مفسران نیز بر این باورند که خطاب به تائبان است (طبری، *جامع البیان*، ۱۱/ ۱۶؛ طبرسی، *جوامع الجامع*، ۲/ ۸۲؛ خازن، *لباب التأویل*، ۲/ ۴۰۵؛ قطب، *فی ظلال القرآن*، ۳/ ۱۷۰۸).

تائبان یا غیرتائبان: از دیدگاه برخی از مفسران خطاب به تائبان یا به غیرتائبان برای ترغیب آنها به توبه است (نیشابوری، *تفسیر غرائب القرآن*، ۳/ ۵۲۸).

منافقان: برخی نیز خطاب را به منافقان دانسته‌اند (امین، *مخزن العرفان*، ۶/ ۹۹).

بنابراین روشن است که در این باره میان مفسران اتفاق وجود ندارد اما از ظاهر سیاق آیات می‌توان بدین نتیجه دست یافت که مرجع ضمیر در «اعملوا» به کسانی برمی‌گردد که در آیه ۱۰۲ به آنها اشاره کرد یعنی کسانی که به گناهانشان اعتراف کرده و عمل شایسته و عمل ناشایسته را در هم آمیخته‌اند و امید است که خدا از خطای آنها درگذرد؛ بر این اساس قول مفسرانی که با تعبیر تائبان به این گروه اشاره کرده‌اند قابل پذیرش است. چنانکه پیشتر گفتیم آیه ۱۰۱ به گروه نخست و آیه ۱۰۲ به گروه دوم و آیه ۱۰۶ به گروه سوم اشاره دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد ترجیح بر این باشد که آیات ۱۰۳-۱۰۵ در ارتباط و با محوریت گروه دوم فهم شوند مگر اینکه قرینه صارفه معتبری یافت شود. بر این پایه «اعملوا» در آیه ۱۰۵ را می‌توان خطاب به گروه دوم دانست.

به نظر می‌رسد دقت در ساختار نحوی آیات ۱۰۲-۱۰۵ نیز مؤید این نظر است؛ پس از اینکه در آیه ۱۰۲ به این گروه اشاره می‌شود در آیه ۱۰۳ و ۱۰۵ با فعل امر سه وظیفه بر عهده پیامبر (ص) قرار گرفته است: یکی اینکه از این افراد صدقه بگیرد «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً»، دوم اینکه برای آنها دعا کند «وَصَلِّ عَلَيْهِمْ» و مورد سوم که در آیه ۱۰۵ قرار دارد این است که پیامبر (ص) به آنها به بگوید که به عمل پردازند «وَقُلِ اعْمَلُوا». برای اینکه بین این افعال امر و وظایفی که بر عهده پیامبر (ص) گذاشته‌اند گسستگی ایجاد نشود و پیوستگی میان آنها حفظ شود لازم است که هر سه فعل و وظیفه در مورد یک گروه باشند.

دیگر اقوال موجب می‌شوند تا آیه ۱۰۵ کلامی معترضه به شمار آید و ارتباطش را با آیه ۱۰۲ از دست بدهد در حالی که به نظر می‌رسد ترجیح بر این باشد که ارتباط معنایی آنها حفظ شود مگر اینکه قرینه‌ای قابل توجه مبنی بر انفصال آنها به دست آید، بنابراین ترجیح بر این است که خطاب «اعملوا» متوجه گروه دوم باشد.

بنابراین خطاب آیه در معنای اولیه‌اش دیگر افراد را شامل نمی‌شود اما از باب جری و تطبیق و تأویل می‌توان افراد دیگری را نیز در خطاب آیه داخل کرد. اما درباره اینکه صاحب تفسیر المیزان معتقد است لفظ آیه مطلق است و هر صاحب عملی را شامل می‌شود باید گفت به نظر می‌رسد اطلاق لفظ آیه به گونه‌ای نیست که بتوان آیه را از سیاق آیات خارج کرد و در آیه قرینه روشنی که بتوان از آن دریافت که عموم افراد مورد خطاب هستند دیده نمی‌شود.

۲. مراد از مؤمنون در آیه ۱۰۵

مفسران در اینکه مراد از «مؤمنون» در آیه ۱۰۵ چه کسانی هستند آرای گوناگونی ابراز داشته‌اند که در ذیل آن‌ها را تحلیل می‌کنیم.

۱-۲) وجوه ذکرشده در تفسیر مؤمنون

شهداء (گواهان): در برخی از تفاسیر به اینکه بنابر برخی اقوال مراد از «مؤمنون» شهداء هستند اشاره شده است (طبرسی، *مجمع البیان*، ۵ / ۱۰۴؛ سبزواری، *ارشاد الازهان*، ۱ / ۲۰۸)، اما مشخص نکرده‌اند که این شهداء چه کسانی هستند.

ملائکه: ملائکه کاتب اعمال، وجه دیگری است که برخی از مفسران در تفسیر این واژه به آن اشاره کرده‌اند (طبرسی، *مجمع البیان*، ۵ / ۱۰۴؛ سبزواری، *ارشاد الازهان*، ۱ / ۲۰۸؛ دخیل، *الوجیز*، ۲۶۵). گویا قائلان به این وجه بر این باور بوده‌اند که چون این ملائکه به کتابت اعمال افراد مشغول هستند، پس اعمال آنها را نیز می‌بینند؛ بنابراین مراد از «مؤمنون» همین ملائکه هستند.

وجه سومی که مفسران «مؤمنون» را به آن تفسیر کرده‌اند مؤمنان (افراد باایمان) و وجه چهارم امه (ع) است که با توجه به تأکید مفسران بر این دو وجه در ادامه با تفصیل بیشتری به تبیین آنها می‌پردازیم.

۲-۲) مؤمنان و مراد از رؤیت آنها

همه و یا غالب مفسران اهل سنت مراد از «مؤمنون» را مؤمنان (افراد با ایمان) دانسته‌اند. شمار معدودی از مفسران امامیه نیز این نظر را قابل پذیرش شمرده‌اند. برخی از مفسران اهل سنت همچون طبری رؤیت مؤمنان را در دنیا شمرده‌اند (طبری، *جامع البیان*، ۱۱ / ۱۶) اما برخی دیگر رؤیت را در قیامت دانسته و آیات «يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ» (حاقه/ ۱۸)، «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (طارق/ ۹) و «وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ» (عادیات/ ۱۰) را شاهد آورده است. وی البته معتقد است گاهی نیز خدا اعمال را در دنیا برای مردم آشکار می‌کند و در این باره روایتی از پیامبر (ص) را شاهد می‌آورد که بنا بر آن عمل فرد حتی اگر در صخره‌ای بدون در و سوراخ انجام شود همان‌طور که بوده است برای مردم هویدا خواهد شد؛ «لو أن

أحدكم يعمل في صخرة صماء، ليس لها باب ولا كوة، لأخرج الله عمله للناس، كائنا ما كان». وی همچنین به اینکه در روایات به اینکه اعمال زندگان به نزدیکان فوت شده آنها، در برزخ عرضه می‌شود توجه می‌دهد و روایتی از پیامبر (ص) را از باب شاهد ذکر می‌کند؛ «إن أعمالكم تعرض على أقربائكم وعشائركم في قبورهم، فإن كان خيرا استبشروا به، وإن كان غير ذلك قالوا: اللهم ألهمهم أن يعملوا بطاعتك» (ابن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، ۴/۱۸۳).

مراغی نیز در تفسیر آیه به دو روایت اشاره کرده است؛ یکی همان روایت عمل کردن در صخره است و دیگری روایتی است که شهادت مؤمنان بر نیک یا بد بودن افراد فوت شده نزد جنازه‌های آنها را موجب بهشتی یا جهنمی شدن آنها می‌شمارد؛ چرا که آنها شهدای خدا در زمین هستند؛ «فی حدیث أنس رضی الله عنه قال: مرّوا بجنازة فأتوا عليها خيرا فقال النبي (ص) وجبت ثم مرّوا بأخرى فأتوا عليها شرا فقال وجبت فقال عمر بن الخطاب رضی الله عنه: ما وجبت؟ قال: هذا أثبتتم عليه خيرا فوجبت له الجنة، و هذا أثبتتم عليه شرا فوجبت له النار، أنتم شهداء الله في الأرض» (مراغی، *تفسیر المراغی*، ۱۱/۲۰-۲۱). از دیگر مفسرانی که به روایت عمل کردن در صخره تمسک کرده‌اند می‌توان به ثعلبی (*الکشف و البیان*، ۵/۹۱)، فخر رازی (*مفاتیح الغیب*، ۱۶/۱۴۳)، قرطبی (*الجامع لاحکام القرآن*، ۸/۲۵۲)، آلوسی (*روح المعانی*، ۱۶/۱۶) اشاره کرد.

ابن عطیه نیز که حقیقی بودن رؤیت رسول و مؤمنان را جایز نمی‌شمارد، از ابن مبارک نقل می‌کند که مراد از رؤیت مؤمنان، شهادت آنها بر نیک یا بد بودن افراد فوت شده نزد جنازه‌های آنها است. وی همچنین به دیدگاه حسن بصری توجه می‌دهد که مراد از رؤیت مؤمنان را فراست و زیرکی مؤمن می‌داند چنانکه پیامبر (ص) فرموده است: «اتقوا فراسة المؤمن فإنه ينظر بنور الله» (ابن عطیه، *المحرر الوجیز*، ۳/۸۰). برخی نیز معتقدند مراد از رؤیت مؤمنان، محبت صالحان و بغض فاسدان است که خدا در دل‌های مؤمنان می‌اندازد؛ گویی که مؤمنان با افتادن محبت و بغض صالحان و فاسدان در دلشان نظاره‌گر اعمال نیک و بد آنها می‌شوند (بغوی، *معالم التنزیل*، ۲/۳۸۶؛ خازن، *لباب التأویل*، ۲/۴۰۵؛ ملاحویش، *بیان المعانی*، ۱۶/۴۸۳). نیشابوری نیز معتقد است که رؤیت خدا هم افعال قلوب و هم افعال جوارح را شامل می‌شود اما رؤیت رسول و مؤمنان جز با اراده و اطلاع دادن خدا شامل افعال قلوب

نمی‌شود (نیشابوری، *تفسیر غرائب القرآن*، ۳/ ۵۲۸).

شوکانی، مفسر زیدی مذهب، نیز مراد از «مؤمنون» در آیه را همان مؤمنان می‌داند (شوکانی، *فتح القدير*، ۲/ ۴۵۵). چنانکه گفتم معدودی از مفسران امامیه نیز این دیدگاه را پذیرفته‌اند (حائری تهرانی، *مقتنیات الدرر*، ۵/ ۱۸۳؛ فضل الله، *تفسیر من وحی القرآن*، ۱۱/ ۲۰۳). برخی از این مفسران امامیه ضمن پذیرش این دیدگاه توجه داده‌اند که البته خدای تعالی امور مخفی را به تفصیل می‌داند اما مؤمنان به اجمال می‌دانند (حسینی شیرازی، *تقریب القرآن*، ۲/ ۴۵۷-۴۵۸). برخی نیز مراد از «مؤمنون» را مؤمنان شمرده‌اند و سپس به اینکه گفته شده مراد ملائکه کاتب اعمال هستند اشاره کرده‌اند (دخیل، *الوجیز*، ۲۶۵). برخی دیگر نیز مراد از «مؤمنون» را ائمه (ع) در دنیا و سایرین در قیامت دانسته‌اند (صادقی طهرانی، *الفرقان*، ۱۳/ ۲۸۹).

۳-۲) ائمه (ع) و شواهد قائلان به مؤمنون بودن آنها

هیچ‌یک از مفسران اهل سنت مراد از «مؤمنون» در آیه را ائمه (ع) ندانسته‌اند، اما غالب مفسران امامیه مراد از «مؤمنون» را ائمه (ع) شمرده‌اند. شیخ طوسی و طبرسی با توجه دادن به اینکه در روایت به عرضه شدن اعمال بندگان در هر دوشنبه و پنجشنبه بر پیامبر و ائمه (ع) اشاره شده است مراد از «مؤمنون» در آیه را ائمه (ع) شناسانده‌اند (طوسی، *التبیان*، ۵/ ۲۹۵؛ طبرسی، *مجمع البیان*، ۱۵/ ۱۰۴). گنابادی نیز معتقد است که مراد از «مؤمنون» ائمه (ع) هستند وگرنه بیشتر مؤمنان ناقص از اعمال دیگران آگاهی ندارند. وی همچنین اشاره می‌کند به اینکه به طریق حصر روایت شده است که مراد از «مؤمنون» علی بن ابی‌طالب (ع) یا ائمه (ع) هستند (گنابادی، *تفسیر بیان السعاده*، ۲/ ۲۷۷). استرآبادی نیز مراد از «مؤمنون» را ائمه (ع) دانسته و روایاتی در تأیید این دیدگاه ذکر کرده است (استرآبادی، *تأویل الآیات الظاهرة*، ۲۱۲-۲۱۳). شبر نیز همچو وی «مؤمنون» را ائمه (ع) دانسته و به اینکه روایت شده اعمال امت بر آنها عرضه می‌شود توجه داده است (شبر، *تفسیر القرآن الکریم*، ۱/ ۲۱۲).

ابوالفتح رازی در مورد زمان رؤیت مؤمنان اشاره می‌کند که دو قول وجود دارد بنابر قول نخست در قیامت خواهد بود اما قول دوم اینکه در روایات آمده است که اعمال امت هر شب دوشنبه و پنجشنبه بر پیامبر و ائمه (ع) عرضه می‌شود. وی مراد از مؤمنان را امامان معصوم (ع)

می‌شمارد به این دلیل که در آیه بر خدا و رسول عطف شده‌اند چنانکه در آیات «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (مائده/ ۵۵)، «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاةُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ» (تحریم/ ۴) و «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/ ۵۹) چنین است (ابوالفتوح رازی، *روض الجنان*، ۱۰/ ۳۱-۳۲).

بانو امین نیز اشاره دارد به اینکه بنابر یک قول رؤیت در قیامت است و بنابر قول دیگر رؤیت در دنیا است. وی همچنین به اینکه دیدگاه بیشتر مفسران این است که رؤیت در همین دنیا است و از سیاق آیه نیز همین نظر استفاده می‌شود، توجه می‌دهد. بانو امین نیز بر این باور است که مراد از مؤمنان جز معصوم نمی‌تواند باشد به این دلیل که مؤمنان عطف بر رسول شده‌اند چنانکه در آیه ولایت (مائده/ ۵۵) و آیه اولی الامر (نساء/ ۵۹) این‌گونه است و اجماع امامیه بر این است که مراد از «آمنوا» علی (ع) و مراد از «اولی الامر» امام هر زمانی است. وی همچنین به اینکه بنابر روایات اعمال امت هر شب دوشنبه و پنجشنبه بر پیامبر و ائمه (ع) عرضه می‌شوند، توجه داده است (امین، *مخزن العرفان*، ۶/ ۱۰۰).

طیب نیز به اینکه در روایات بسیاری مؤمنون به ائمه (ع) تفسیر شده که در روزهای دوشنبه و پنجشنبه اعمال بر آنها عرضه می‌شود، اشاره کرده است. به باور وی می‌توان این تفسیر را تفسیر به اهم مصادیق دانست و در قیامت پس از مکشوف شدن نامه‌های اعمال تمام مؤمنان خواهند دید (طیب، *اطیب البیان*، ۶/ ۳۰۹).

به باور طباطبایی فراز «وَسَرُّدُونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» در آیه ۱۰۵ توبه از یکسو دلالت دارد بر اینکه فراز «فَسَرَّى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» در این آیه به پیش از قیامت یعنی دنیا دلالت دارد زیرا قول «وَسَرُّدُونَ» به روز قیامت اشاره دارد و ماقبل آن دنیا است؛ از سوی دیگر نیز دلالت دارد بر اینکه آنها فقط در روز قیامت از حقیقت اعمالشان آگاه می‌شوند و پیش از آن تنها ظاهر اعمالشان را می‌بینند و با توجه به اینکه آیه اشاره دارد که خدای تعالی و رسولش و مؤمنون پیش از قیامت و در دنیا اعمال آنها را می‌بینند و خدای تعالی نیز از حقیقت اعمالشان آگاه است و می‌تواند آن را به رسولش وحی کند. بنابراین مراد آیه این است که خدای تعالی و رسولش و مؤمنون حقیقت اعمال آنها را می‌بینند و مراد از «مؤمنون» نیز شهدای اعمال از مؤمنان است نه عموم مؤمنان (طباطبایی، *المیزان*، ۹/ ۳۷۹).

وی روایاتی که مراد از «مؤمنون» در این آیه را ائمه (ع) شناسانده‌اند منطبق با تفسیری که خود ارائه داده است می‌شمارد (طباطبایی، *المیزان*، ۹/۳۸۵).

به گفته صاحب تفسیر نمونه به دلیل روایات بسیاری که از ائمه (ع) نقل شده باور مشهور نزد شیعیان این است که خدا اعمال همه امت را بر پیامبر و ائمه (ع) عرضه می‌کند و آنها از آن اعمال آگاه می‌شوند. از نگاه وی این روایات به اندازه‌ای زیاد است که محتمل است به حد تواتر برسد (مکارم، *تفسیر نمونه*، ۸/۱۲۵). همچنین وی بر این باور است که صرف‌نظر از روایاتی که در تفسیر آیه ۱۰۵ توبه نقل شده است می‌توان از خود آیه شواهدی ارائه کرد که اعمال امت بر پیامبر و ائمه (ع) عرضه می‌شود. شواهدی که وی ارائه می‌کند از این قرار است:

اولاً، آیه مطلق است و همه اعمال را دربرمی‌گیرد، اما تمام اعمال از طرق عادی برای پیامبر (ص) و مؤمنان آشکار نمی‌شود، زیرا بسیاری از اعمال بد و نیک به صورت پنهانی انجام می‌شود. پس لازم است که آگاهی پیامبر (ص) و مؤمنان از اعمال از طرق غیرعادی و با تعلیم خدای متعال باشد.

ثانیاً، در پایان آیه می‌فرماید: «فَيُبَيِّنُكُمْ لِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ این عبارت اشاره دارد که خدا در قیامت آن عاملان را از اعمالشان آگاه می‌کند. با توجه به اینکه این تعبیر تمام اعمال آشکار و پوشیده را دربرمی‌گیرد و همچنین ظاهراً مراد از عمل در ابتدا و انتهای آیه یکی است، در نتیجه ابتدای آیه نیز تمام اعمال آشکار و پوشیده را دربرمی‌گیرد، و روشن است که آگاهی بر تمام این اعمال از طرق عادی غیرممکن است.

ثالثاً، ذکر مؤمنان در صورتی معنادار است که مراد تمام اعمال و از طرق غیرعادی باشد وگرنه دیدن اعمال آشکار به مؤمنان اختصاص ندارد و غیرمؤمنان نیز آنها را می‌بینند. بنابراین روشن شد که مراد از مؤمنان در آیه همه افراد باایمان نیستند بلکه مراد از آن ائمه (ع) هستند (مکارم، *تفسیر نمونه*، ۸/۱۲۶-۱۲۸).

برخی از اخبار عرض اعمال بر ائمه (ع) اشعار دارند به اینکه مراد از «مؤمنون» در آیه ۱۰۵

توبه ائمه (ع) هستند. برخی از این روایات را در ذیل نقل می‌کنیم:

- «عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَسَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ إِيَّانَا عَنِّي» (صفار، *بصائر الدرجات*، ۴۲۷/۱).

«عَنْ مُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُوَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَالْآيَةُ تُعْرَضُ عَلَيْهِمْ اَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ حَمِيْسٍ» (صفار، بصائر الدرجات، ۱/ ۴۲۷).

«عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَوْلِهِ قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُمْ الْآيَةُ تُعْرَضُ عَلَيْهِمْ اَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ يَوْمٍ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (صفار، بصائر الدرجات، ۱/ ۴۲۷).

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع فِي هَذِهِ الْآيَةِ قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ نَحْنُ هُمْ» (صفار، بصائر الدرجات، ۱/ ۴۲۷).

«عَنْ بُرَيْدِ الْعِجْلِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ وَلَا كَافِرٍ فَيُوضَعُ فِي قَبْرِهِ حَتَّى يُعْرَضَ عَمَلُهُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ص وَعَلَيَّ عَلِيٌّ ع فَهَلُمَّ جَزْأً اِلَى آخِرٍ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَيَّ الْعِبَادِ» (صفار، بصائر الدرجات، ۱/ ۴۲۸).

«عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُمْ الْآيَةُ.» (كليني، الكافي، ۱/ ۲۱۹).

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانَ الرَّيَّاتِيِّ وَكَانَ مَكِينًا عِنْدَ الرَّضَاعِ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَاعِ اذْخُ اللَّهُ لِي وَلَا هَلْ بَيْتِي فَقَالَ أَوْ لَسْتُ أَفْعَلُ وَاللَّهِ إِنَّ اَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ قَالَ فَاسْتَعْظَمْتُ ذَلِكَ فَقَالَ لِي أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُوَ وَاللَّهِ عَلَيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع» (كليني، الكافي، ۱/ ۲۱۹-۲۲۰).

«عَنْ يَحْيَى بْنِ مُسَاوِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ ذَكَرَ هَذِهِ الْآيَةَ - فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُوَ وَاللَّهِ عَلَيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع» (كليني، الكافي، ۱/ ۲۲۰).

قائلان به وجه چهارم معتقدند که از این روایات به دست می‌آید که مراد از «مؤمنون» در آیه

۱۰۵ توبه ائمه (ع) هستند.

۳. بررسی و ارزیابی وجوه گفته شده در مراد از «مؤمنون»

در وجه نخست مراد از «مؤمنون» شهداء (گواهان) دانسته شده اما روشن نشده است که مراد از این شهداء چه کسانی هستند. در وجه دوم مراد از «مؤمنون» ملائکه شمرده شده اما به نظر می‌رسد شواهد کافی و متقنی مبنی بر این امر وجود ندارد و این وجه صرفاً در حد حدس و

گمان است. در وجه سوم مراد از «مؤمنون» همان مؤمنان (افراد با ایمان) است که پس از بررسی وجه چهارم بدان می‌پردازیم. در وجه چهارم مراد از «مؤمنون» ائمه (ع) شناسانده شده‌اند که اینک به بررسی آن می‌پردازیم.

۱-۳) ارتباط روایات عرض اعمال با فهم مفسران

قائلان به وجه چهارم شواهدی را مبنی بر صحت قول خود ارائه کرده‌اند؛ به نظر می‌رسد اصلی‌ترین شاهد آنها روایات عرضه اعمال بر ائمه (ع) است (نک: کلینی، *الکافی*، ۱/ ۲۱۹-۲۲۰؛ صفار، *بصائر الدرجات*، ۱/ ۴۲۴ به بعد؛ بحرانی، *البرهان*، ۲/ ۸۳۹ به بعد) و قائلان به وجه چهارم دیگر شواهد را، پس از اینکه با توجه به اخبار عرض اعمال معتقد شده‌اند مراد از «مؤمنون» ائمه (ع) هستند، از باب قوی‌تر جلوه کردن قول پذیرفته شده خود بیان کرده‌اند.

در واقع مفسرانی که «مؤمنون» را در آیه مذکور به ائمه (ع) تفسیر کرده‌اند در واقع متأثر از این روایات هستند و گویی این مفسران در اینکه این روایات در صدد ارائه تفسیر از تعبیر «مؤمنون» هستند تردیدی به خود راه نداده‌اند و از همین‌رو نگاه انتقادی و مدققانه‌ای در این‌باره از خود بروز نداده‌اند. چنانکه پیشتر گفتیم از ظاهر سیاق آیات مورد بحث برمی‌آید که مرجع ضمیر در «اعملوا» به کسانی برمی‌گردد که در آیه ۱۰۲ به آنها اشاره شد یعنی کسانی که به گناهانشان اعتراف کرده و عمل شایسته و عمل ناشایسته را در هم آمیخته‌اند و امید است که خدا از خطای آنها درگذرد، خدای تعالی در آیه ۱۰۳ به پیامبرش (ص) می‌فرماید تا با اخذ صدقه از این افراد آنها را پاک گرداند و در آیه ۱۰۵ در خطاب به این افراد از آنها می‌خواهد تا به عمل بپردازند و در عمل نشان دهند که آیا به راستی مسیر صحیح را دنبال خواهند کرد یا راه انحراف و خطا را خواهند پیمود.

در ادامه نیز به این امر توجه می‌دهد که خدا، رسولش و مؤمنان خواهند دید که آنان در عمل چگونه رفتار خواهند کرد و آیا از مسیر حق پیروی می‌کنند و یا اینکه راه خطا را می‌پیمایند؛ بنابراین مراد از «مؤمنون» در آیه مذکور همان مؤمنان (افراد با ایمان) هستند و البته مراد آیه هم این نیست که تک تک اعمال این افراد را تک تک مؤمنان با چشم خود خواهند دید بلکه مراد این است که مؤمنان از چگونگی عملکرد آنها و اینکه آنها از این به بعد راه صحیح را می‌پیمایند یا راه خطا را آگاه می‌شوند.

این‌گونه سخن گفتن کاملاً با آداب محاوره عرفی همخوان و سازگار است. به نظر می‌رسد یکی از عوامل تأثیرگذار بر فهم و تفسیر مفسران از آیه ۱۰۵ توبه این است که مفسران خودآگاه یا ناخودآگاه فهم خود از روایات مرتبط با آیه ۱۰۵ توبه را بر سیاق آیه مذکور حاکم کرده‌اند. یکی از امور مهم در وصول به فهم صحیح آیات قرآن کریم دستیابی به فضای نزول آیات است؛ امور مختلفی ممکن است ما را در نزدیک شدن به فضای نزول آیات یاری رساند توجه به سیاق آیات از جمله اموری است که گاه می‌تواند به ما در این زمینه مدد رساند، توجه به روایات نیز از دیگر اموری است که ممکن است در برخی موارد در نزدیک کردن ما به فهم بهتر فضای نزول مؤثر باشد.

نکته شایان ذکر این است که گاهی روایات به جای اینکه ما را به فضای نزول آیه و تفسیر و معنای اولیه آیه نزدیک کنند ما را از این امور دورتر می‌سازند؛ یکی از دلایل چنین امری بدفهمی مراد روایات است. از دیگر اموری که برای رسیدن به فهم صحیح آیات قرآن کریم باید بدان توجه داشت این است که قرآن کریم به آداب محاوره عرفی توجه دارد.

در مورد روایاتی که مراد از «مؤمنون» را ائمه (ع) شناسانده‌اند باید بگوییم که این روایات در صدد ارائه تفسیر و بیان معنای اولیه آیه نبوده‌اند و روشن است که حتی اکثر ائمه (ع) هنگام نزول این آیه ولادت نیز نیافته بودند و دلیلی هم ندارد که مراد از «مؤمنون» در آیه را منحصر در ائمه (ع) بدانیم. روایاتی نیز که مراد از «مؤمنون» را حضرت علی (ع) دانسته‌اند تنها به یکی از مصادیق آن اشاره کرده‌اند.

تعبیر «مؤمنون» هر فردی را که عنوان مؤمن (با ایمان) بر او صحیح بوده در برمی‌گرفته است و افراد عصر نزول نیز همین را از آیه می‌فهمیده‌اند چنانکه هیچکدام از صحابه مراد از آن را در ائمه (ع) منحصر نکرده است. همچنین به نظر می‌رسد مراد از اینکه مؤمنون اعمال عاملین - که در آیه ۱۰۲ توبه به آنها اشاره شده است - را می‌بینند به معنای مطلع شدن آنها از طرق رایج و معمول است نه طرق غیر عادی. روایاتی نیز که مراد از «مؤمنون» را ائمه شناسانده‌اند و احیاناً به وصول علم غیر عادی به ائمه (ع) اشاره دارند در واقع از باب تأویل هستند نه تفسیر و معنای ظاهری آیه. در واقع چنین به نظر می‌رسد که چون پذیرش سخن امام (ع) برای برخی مخاطبان دشوار بوده است حضرت (ع) برای تأیید سخن خود و قبولاندن آن به مخاطب و پذیرش آسان

آن از سوی مخاطب به تأویل آیات استناد می‌کرده‌اند.

به نظر می‌رسد که حدیث عبدالله بن ابان زیات که بیشتر ذکر شد شاهدی بر درستی این سخن است. این حدیث اشاره دارد که پس از اینکه امام رضا (ع) به عرضه اعمال بر او در شب و روز توجه می‌دهد، عبدالله بن ابان زیات چنین امری را بزرگ می‌شمارد و حضرت (ع) در تأیید سخن خود به آیه ۱۰۵ توبه استناد می‌کند و مراد از «مؤمنون» در آن آیه را علی بن ابی طالب (ع) معرفی می‌کند.

بنابراین برداشت ناصواب از روایات و تفکیک نکردن میان معنای تفسیری و معنای تأویلی از سوی مفسران موجب شده است تا مفسران به تفسیر صحیح آیه نپردازند و معنای تأویلی را به جای معنای تفسیری بیان کنند.

۲-۳) ارزیابی دیگر شواهد وجه چهارم

شاهد دیگر را می‌توان از کلام گنابادی استفاده کرد؛ وی — چنانکه گفتیم — معتقد است مراد از «مؤمنون» ائمه (ع) هستند چرا که بیشتر مؤمنان ناقص از اعمال دیگران باخبر نیستند؛ در این باره باید بگوییم چنانکه پیشتر در تبیین آیه مورد بحث گفتیم مراد از عاملین کسانی هستند که در آیه ۱۰۲ به آنها اشاره شده است و همین که شماری از مؤمنان از عملکرد آنها مطلع شوند به گونه‌ای که عرفاً بتوان گفت مؤمنان از اعمال آنها باخبر شده‌اند کافی است؛ بنابراین چنین شاهدی که گنابادی ارائه کرده است در اثبات اینکه مراد از «مؤمنون» ائمه (ع) هستند ناتوان و ناکافی است.

دیگر شاهد قائلان به وجه چهارم را می‌توان در کلام ابوالفتح رازی و بانو امین اصفهانی جستجو کرد. به عقیده ایشان همان‌طور که در آیاتی همچون آیه ولایت و آیه اولی الامر مراد از کسانی که به رسول عطف شده‌اند ائمه (ع) هستند پس در اینجا نیز بایستی مراد از «مؤمنون» که به خدا و رسول عطف شده است ائمه (ع) باشند. در مورد این شاهد نیز باید بگوییم دلیلی نداریم که چون در برخی آیات ائمه (ع) به خدا و رسول عطف شده‌اند در تمامی دیگر آیات نیز فقط ائمه (ع) امکان عطف بر رسول را دارند، بنابراین این شاهد نیز برای اثبات این ادعا که مراد از «مؤمنون» در آیه مورد بحث ائمه (ع) هستند کفایت نمی‌کند.

شاهد دیگر را از نگاه طباطبایی می‌توان چنین بیان کرد که مراد از رؤیت مؤمنون در آیه مورد

بحث مشاهده حقیقت اعمال عاملان است و این امر به ائمه (ع) اختصاص دارد و شامل عموم مؤمنان نمی‌شود بنابراین مراد از «مؤمنون» ائمه (ع) هستند. در مورد این شاهد نیز باید گفت معنای ظاهری و تفسیر رؤیت مؤمنان را می‌توان متعلق به اعمال ظاهری عاملان دانست نه حقیقت اعمال آنها؛ بنابراین عمومیت مؤمنان نیاز به تخصیص نخواهد داشت و لزومی نیز به آن نیست. اما در مورد اینکه از فراز «و سَتَرْدُونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» به دست می‌آید که عاملان در قیامت از حقیقت اعمال خود خبردار می‌شوند؛ باید گفت در اینجا نیز آیه می‌تواند اشاره داشته باشد که عاملان در قیامت از اعمال ظاهری خود باخبر می‌شوند و جزای خود را در مقابل اعمالشان دریافت می‌کنند. البته اگر هم بر فرض مراد باخبر شدن از حقیقت اعمالشان باشد مراد از مشاهده مؤمنون می‌تواند مربوط به همان اعمال ظاهری باشد.

شواهد دیگری را نیز می‌توان در تفسیر نمونه دید. در این تفسیر سعی شده است تا از خود آیه مورد بحث شواهدی استنتاج شود مبنی بر اینکه اعمال امت بر پیامبر و ائمه (ع) عرضه می‌شود و مراد از «مؤمنون» در آیه همان ائمه (ع) هستند. صاحب این تفسیر سه شاهد از آیه ذکر می‌کند: نخست اینکه آیه مطلق است و شامل همه اعمال می‌شود، اما تمام اعمال از طرق عادی برای پیامبر (ص) و مؤمنان آشکار نمی‌شود، پس لازم است که آگاهی پیامبر (ص) و مؤمنان از اعمال از طرق غیرعادی و با تعلیم خدای متعال باشد.

دوم اینکه عبارت «فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» تمام اعمال را شامل می‌شود و ظاهراً مراد از عمل در ابتدا و انتهای آیه نیز یکی است، بنابراین ابتدای آیه نیز تمام اعمال را دربرمی‌گیرد، و روشن است که آگاهی بر تمام این اعمال از طرق عادی غیرممکن است. سوم اینکه ذکر مؤمنان در صورتی معنادار است که مراد تمام اعمال و از طرق غیرعادی باشد وگرنه دیدن اعمال آشکار به مؤمنان اختصاص ندارد و غیر مؤمنان نیز آنها را می‌بینند. بنابراین مراد از مؤمنان در آیه همه افراد باایمان نیستند بلکه مراد از آن ائمه (ع) هستند.

اما درباره شاهد نخست باید بگوییم، همان‌طور که پیشتر در تبیین آیه گفتیم بنابر سیاق آیات مراد آیه ۱۰۵ آگاهی مؤمنان از عملکرد کسانی است که در آیه ۱۰۲ به آنها اشاره شده است و مراد نیز آگاهی از تک تک اعمال آنها، حتی کوچک‌ترین و بی‌اهمیت‌ترین آنها، نیز

نیست و همچنین می‌توان گفت اعمال ظاهری آنها مراد است نه اعمال غیرظاهری و نیازی به طرق غیرعادی نیست و اگر بر فرض گاهی آگاهی بر برخی اعمال غیرظاهری آنها نیز برای رسول و مؤمنان لازم باشد نیز در آن موارد خاص، خدا می‌تواند رسولش را آگاه کند و رسول آن را به اطلاع مؤمنان برساند، اما این چنین نیست که مراد آگاهی از تمام اعمال آنها باشد و مراد از مؤمنون نیز ائمه (ع) باشند.

در مورد شاهد دوم نیز شایان توجه است حتی اگر عبارت «فَيُبَيِّنُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» شامل تمام اعمال آنها شود لزومی ندارد که رؤیت مؤمنان شامل همه اعمال آنها شود. همچنین با شاهد سوم نیز نمی‌توان همراهی کرد؛ معنادار بودن ذکر مؤمنان وابسته به اینکه مراد تمام اعمال و از طرق غیرعادی باشد نیست و مراد آیه این نیست که غیرمؤمنان از اعمال آنها مطلع نمی‌شوند. ابن‌عاشور در توضیح چرایی ذکر «مؤمنون» و عطف آن به رسول معتقد است که این افراد تائب پس از اینکه توبه کردند به جمع صحابه بازمی‌گردند پس اگر مانند آنها عمل کنند مورد اکرام آنها خواهند بود وگرنه با غضب و انکار آنها مواجه می‌شوند (ابن‌عاشور، التحرير و التنوير، ۱۰/۱۹۸).

بنابراین به نظر می‌رسد شواهد ذکر شده برای اثبات اینکه مراد از «مؤمنون» در آیه مورد بحث ائمه (ع) هستند ناکافی هستند و روایات نیز به تأویل آیه نظر دارند نه تفسیر آن.

۳-۳) ملاحظاتی در تبیین وجه سوم

اما در مورد وجه سوم که مراد از «مؤمنون» همان مؤمنان (افراد با ایمان) دانسته است؛ باید بگوییم چنانکه پیشتر در تبیین آیه ۱۰۵ توبه بیان کردیم مراد از «مؤمنون» همان مؤمنان هستند و این وجه از این جهت مورد تأیید است اما نکاتی در این باب لازم به ذکر است؛ یکی اینکه بنابر تبیینی که از آیه مورد بحث ارائه شد اشکالی بر اینکه رؤیت مؤمنان در این دنیا باشد وارد نیست و ضرورتی ندارد که آن را مربوط به روز قیامت و یا برزخ بدانیم؛ از ظاهر سیاق آیات نیز می‌توان استفاده کرد که رؤیت در دنیا است.

همچنین اینکه ابن‌مبارک مراد از رؤیت مؤمنان را شهادت آنها بر نیک یا بد بودن افراد فوت‌شده نزد جنازه‌های آنها دانسته است، صحیح نیست، بلکه مراد از رؤیت مؤمنان آگاهی یافتن از اعمال عاملان است و آنها مبتنی بر آن می‌توانند شهادت دهند، اما مراد از رؤیت همان

شهادت دادن نیست. همچنین درباره اینکه گفته شده است حسن بصری مراد از رؤیت مؤمنان را فراست و زیرکی مؤمن می‌داند همان‌طور که از پیامبر (ص) منقول است: «اتقوا فراسة المؤمن فإنه ينظر بنور الله».

باید خاطر نشان کرد که اگر مراد این است که مؤمن به طریق غیر عادی از اعمال آنها آگاه می‌شود، صحیح به نظر نمی‌رسد بلکه به نظر می‌رسد که آیه به آگاهی آنها از طرقی اشاره دارد که در عرف رایج و مألوف است. علاوه بر اینها برخی نیز رؤیت مؤمنان را به افتادن محبت صالحان و بغض فاسدان در دل مؤمنان پیوند داده‌اند، این مورد نیز با آنچه در تبیین آیه مورد بحث ذکر کردیم همخوان و قابل پذیرش نیست.

نتیجه

با وجود اینکه به نظر می‌رسد فهم آیه ۱۰۵ توبه چندان دشوار نباشد اما مفسران تبیین‌های مختلفی از آن به دست داده‌اند. یکی از عوامل تأثیرگذار بر تفسیر مفسران، فاصله زمانی و دور شدن از فضای نزول آیات است. عامل دیگر را می‌توان حاکم شدن خودآگاه یا ناخودآگاه فهم مفسر از روایات بر سیاق آیات دانست؛ فهمی که گاه خود دچار آسیب است.

چنانکه در این مقاله نشان دادیم که برخی روایات که به تأویل آیه نظر داشتند برخی مفسران پنداشته بودند که در صدد بیان تفسیر آیه است. در نهایت در تبیین آیه ۱۰۵ توبه می‌توان گفت خطاب این آیه به کسانی است که در آیه ۱۰۲ به آنها اشاره شده است و مراد از رؤیت مؤمنان نیز آگاهی مؤمنان (افراد با ایمان) از عملکرد این افراد از طرق رایج و معمول است. روایاتی نیز که مراد از «مؤمنون» را ائمه (ع) دانسته‌اند از باب تأویل هستند و نه تفسیر.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آلوسی، سید محمود، *روح المعانی*، به کوشش علی عبدالباری عطیة، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۳- ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز*، به کوشش عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ۴- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش محمد حسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ۵- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- ۶- استرآبادی، سید شرف الدین علی، *تأویل الآیات الظاهرة*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
- ۷- امین، سیده نصرت، *مخزن العرفان*، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.
- ۸- بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- ۹- بغوی، حسین بن مسعود، *معالم التنزیل*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۱۰- ثعلبی، احمد بن ابراهیم، *الکشف و البیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ۱۱- حائری تهرانی، میر سید علی، *مقتنیات الدرر*، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۷ش.
- ۱۲- حسینی شیرازی، سید محمد، *تقریب القرآن إلى الأذهان*، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۴ق.
- ۱۳- خازن، علی بن محمد، *لباب التأویل*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۱۴- دخیل، علی محمد علی، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۲۲ق.
- ۱۵- سبزواری نجفی، محمد، *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.
- ۱۶- شبر، سیدعبدالله، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۲ق.
- ۱۷- شوکانی، محمد بن علی، *فتح القدر*، دمشق/ بیروت، دار ابن کثیر/ دارالکلم الطیب،

۱۴۱۴ق.

- ۱۸- صادقی طهرانی، محمد، *الفرقان*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- ۱۹- صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، به کوشش محسن کوچه باغی، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- ۲۰- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- ۲۱- طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجامع*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۲۳- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- ۲۴- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۵- طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان*، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
- ۲۶- فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۲۷- فضل الله، سید محمد حسین، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
- ۲۸- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
- ۲۹- قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، بیروت/ قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
- ۳۰- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۷ش.
- ۳۱- گنابادی، سلطان محمد، *بیان السعاده*، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۸ق.
- ۳۲- مراغی، احمد بن مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۳- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، اسلامیة، ۱۳۷۴ش.
- ۳۴- ملاحویش آل غازی، عبدالقادر، *بیان المعانی*، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
- ۳۵- نیشابوری، حسن بن محمد، *غرائب القرآن*، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.

Bibliography

- 1_ Holy *Qur'an*.
- 2_ Abulfutūḥ Rāzī, Ḥusiyūn b. 'Alī, *Rawḍ Al-Jīnān wa Ruā Al-Jīnān fī Tafṣīr Al-Qur'an*, Mashhad, Āstān Qods, 1408 AH.
- 3_ Ālūsī, Maḥmūd b. 'Abd Allāh, *Rūḥ Al-Ma'ānī fī Tafṣīr Al-Qur'an Al-'Azīm*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, 1415 AH.
- 4_ Amīn, Sayyede Nuṣrat, *Makbzan Al-'Irfān*, Tehrān, Niḥḍat Zanān Mosalmān, 1361 SAH.
- 5_ Astarābādī, Sharaf Al-Dīn 'Ālī, *Ta'wil Al-Āyat Al-Zabira fī Faḍā'il Al-'Itra Al-Ṭāhira*, by Ḥuseyn Ostādvalī, Qom, 1409 AH.
- 6_ Baghawī, Ḥusayn b. Mas'ūd, *Ma'ālim Al-Tanzīl*, Beirut, Dār Ihyā' at-Turāth al-'Arabī, 1420 AH.
- 7_ Baghdādī, 'Alā' Al-Dīn 'Alī b. Muḥammad, *Lubāb Al-Ta'wil fī Ma'ānī Al-Tanzīl*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, 1415 AH.
- 8_ Baḥrānī, Hāshim b. Sulaymān, *Al-Burbān fī Tafṣīr Al-Qur'an*, Qom, Be'that, 1374 SAH.
- 9_ Dukhayyal, 'Alī Muḥammad 'Alī, *Al-Wajiz fī Tafṣīr Al-Kitāb Al-'Azīz*, Beirut, Dār al-Ta'aruf, 1422 AH.
- 10_ Faḍlullāḥ, Sayyid Muḥammad Ḥusiyūn, *Mīn Wahy Al-Qur'an*, Beirut, Dār al-Milāk, 1419 AH.
- 11_ Fakhr Rāzī, Muḥammad b. 'Umar, *Mafātīḥ Al-Qayb*, Beirut, Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī, 1420 AH.
- 12_ Gonābādī, Solṭān Moḥammad, *Tafṣīr Bayān Al-Sa'āda fī Maqāmāt Al-'Ibāda*, Beirut, al-A'lamī lil Maṭbū'āt, 1408 AH.
- 13_ Ḥā'erī Tehrānī, Mīr Sayyed 'Alī, *Muqtanīyāt Al-Durar wa Multaqītāt Al-Thamar*, Teran, Dār al-Kutub al-Islāmiyya, 1377 SAH.
- 14_ Ḥuseynī Shirāzī, Sayyed Moḥammad, *Taqrib Al-Qur'an ilā Al-Adhbān*, Beirut, Dār al-'Ulūm, 1424 AH.
- 15_ Ibn 'Aṭīyya, Abd al-Ḥaq b. al-Ghalib, *Al-Muḥarar Al-Wajiz*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, 1422 AH.
- 16_ Ibn Kathīr, Ismā'īl b. 'Amr, *Tafṣīr Al-Qur'an Al-'Azīm*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah, 1419 AH.
- 17_ Kuliynī, Muḥammad b. Ya'qūb, *Al-Kāfi*, Tehran, Dār al-Kutub al-

- Islāmīya, 1407 AH.
- 18- Makārem Shīrāzī, Nāser, *Tafīr Nemūne*, Tehrān, Dār al-Kutub al Islāmīyya, 1371 SAH.
 - 19- Marāghī, Aḥmad b. Muṣṭafā, *Tafsīr Al-Marāghī*, Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-‘Arabī.
 - 20- MullāḤuwaysh Āl-e Ghāzī, ‘Abd Al-Qādir, *Bayān Al-Ma‘ānī*, Damascus, Maṭba‘a al-Taraqī, 1382 AH.
 - 21- Niyshābūrī, Nizām Al-Dīn Ḥasan b. Muḥammad, *Gharā’ib Al-Qur’ān*, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmīya, 1416 AH.
 - 22- Qurtubī, Muḥammad b. Aḥmad, *Al-Jami‘ li Aḥkām Al-Ḳurān*, Tehrān, Nāṣir Khusru, 1364 SAH.
 - 23- Quṭb, Sayyid, *Fī Dbilāl Al-Qur’ān*, Beirut, Dār al-Shurūq, 1412 AH.
 - 24- Sabzivārī Najafī, Muḥammad, *Irsbād Al-Adbbān ilā Tafsīr Al-Qur’ān*, Beirut Dār al-Ta’āruḥ, 1419 AH.
 - 25- Ṣadeqī Tehrānī, Moḥammad, *Al-Furqān fi Tafsīr Al-Qur’ān bi Al-Qur’ān*, Qom, Islamic Culture, 1365 SAH.
 - 26- Ṣaffār, Muḥammad b. Ḥasan, *Basā’ir Al-Darajāt fi Faḍā’il Āl Muḥammad Ṣallallāhu ‘Alayhim*, ed. Moḥsen Kūche Bāghī, Qom, Mar‘ashī Library, 1404 AH.
 - 27- Shubbar, ‘Abdullāh, *Tafsīr Al-Qur’ān Al-Karīm*, Beirut, Dār al-Balāgha, 1412 AH.
 - 28- Shūkānī, Muḥammad b. ‘Alī, *Fatḥ Al-Qadīr*, Damascus-Beirut, Dār Ibn Kathīr/Dār al-Kilam al-Ṭayyib, 1414 AH.
 - 29- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, *Jāmi‘ Al-Bayān fi Tafsīr Al-Qur’ān*, Beirut, Dār al-Ma‘rifa, 1412 AH.
 - 30- Ṭabarsī, Faḍl b. Ḥasan, *Majma‘ Al-Bayān*, ed. Moḥammad Jawād Balāghī, Tehrān, Nāser Khosro, 1372 SAH.
 - 31- Ṭabarsī, Faḍl b. Ḥasan, *Tafsīr Jawāmi‘ Al-Jāmi‘*, Tehran: Tehran University, 1377 SAH.
 - 32- Ṭabāṭabāyī, Moḥammad Ḥusīyn, *Al-Mizān fi Tafsīr Al-Qur’ān*, Qom, Jamā‘a al-Mudarrisīn, 1417 SAH.
 - 33- Ṭayyib, ‘Abd al-Ḥusayn, *Aṭyab Al-Bayān*, Tehran, Islam Publication,

1378 SAH.

- 34- Tha‘labī, Aḥmad b. Muḥammad, *Al-Kashf wa Al-Bayān*, Beirut, Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī, 1422 AH.
- 35- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan, *Al-Tibyān fī Tafsīr Al-Qur’ān*, Beirut, Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.